

تأثیر ابطال گواهی اختراع در قراردادهای جذب فناوری

علی روحی زاده کیکانلو^{۱*}، مجید عباس تبار فیروزجاه^۲

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پرند و رباط کریم، تهران، ایران

۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳)

The Influence of Patent Invalidation on the Contract of Transfer of Technology in Kind

Ali Roohizadeh Kikanloo^{*1}, Majid AbbastabarFiroozjah²

1. Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Parand and Robatkarim Branch, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Private Law, Shahid Baheshti University, Tehran, Iran

(Received: 23/Dec/2016

Accepted: 04/Oct/2020)

Abstract

One of the questions arising about the contract of transfer of technology in kind is the influence of patent invalidation on the contract. The subject of this contract is a composition of patent, know-how with educational, technical and management helping in a way that make the transferee independent and license to use is a part of contract for its effectiveness. So, it can be said that the subject of the contract is a technology in a body that has a lot of components including patent and its existence increase the value of the subject matter of the contract. So, by patent invalidation (considering of the real monopoly before invalidation) is ceased to exist and by considering the continuous character of the contract, by analogy with the rules of lease contract, the transferee will have the option of Tabaoze-Safghe. Acceptance of option of tabaoze-safghe not only protect the motivation of transferee to challenge the unjust patent and so removing it for protection public knowledge and improper monopoly, but also give the transferee the option to decide about the destination of contract and from other side, guarantee the motivation of inventors to register their invention and making transfer of technology contracts.

Keywords: Ransfer of Technology in Kind, Patent Invalidation, Option of Tabaoze-Safghe, Protection of Public Knowledge.

چکیده

یکی از پرسش‌های قابل طرح در خصوص قرارداد جذب فناوری، تأثیر ابطال گواهی در وضعیت قرارداد است. موضوع قرارداد مذکور، مجموعه‌ای از حق اختراع و دانش‌های فنی به همراه کمک‌های آموزشی و فنی و مدیریتی می‌باشد به گونه‌ای که انتقال گیرنده را در فناوری موضوع قرارداد به خودکفایی برساند و اعطای مجوز بهره‌برداری، جزئی از قرارداد در راستای اثربخشی قرارداد است. بر این اساس، می‌توان گفت که موضوع قرارداد جذب فناوری، یک فناوری در هیئت کلی است که دارای اجزای مختلفی از جمله گواهی اختراع است و وجود آن بر ارزش موضوع معامله می‌افزاید از این رو، در صورت ابطال گواهی اختراع بخشی از موضوع معامله (با لحاظ وجود انحصار واقعی تا پیش از ابطال) تلف شده و به لحاظ وصف استمراری قرارداد، با وحدت ملاک از قواعد عقد اجاره، موجب خیار تبعض صفقه برای انتقال گیرنده خواهد بود. پذیرش خیار تبعض صفقه نه تنها انگیزه انتقال گیرنده برای درخواست ابطال گواهی اختراع نابه‌جا و در نتیجه حذف آن در راستای حمایت از دانش عمومی و برچیده شدن انحصارهای نابجا حفظ می‌شود، بلکه به انتقال گیرنده در خصوص پذیرش یا فسخ قرارداد حق انتخاب داده و از سوی دیگر، انگیزه مخترعین برای ثبت اختراع و انعقاد قراردادهای انتقال فناوری تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرارداد جذب فناوری، ابطال گواهی اختراع، خیار تبعض صفقه، حمایت از دانش عمومی.

مقدمه

۱۳۹۳: ۶۲۷؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۵). به سخن دیگر، در این قرارداد، تأمین‌کننده فناوری متعهد می‌شود که انتقال گیرنده را بر فناوری مسلط و سرانجام دارنده فناوری نماید (احسنی افروز، ۱۳۹۰: ۱۳۲). نکته دیگری که باید در اینجا به یادداشت، آن است که موضوع این قرارداد تنها حق اختراع نمی‌باشد؛ بلکه مجموعه‌ای از حق اختراع و دانش‌های فنی به همراه کمک‌های آموزشی و فنی و مدیریتی می‌باشد که زمینه توانمند شدن انتقال گیرنده را در نوآوری فراهم سازد.

جوهره این قرارداد ماهرشدن انتقال گیرنده در موضوع قرارداد است. از این رو، تعهد اصلی انتقال‌دهنده فناوری در این قرارداد، برآورده ساختن انتقال فناوری به گیرنده است. اگر در قرارداد چنین چیزی به روشنی نیامده باشد، می‌توان گفت که باید آن را جزء مقتضای ذات قرارداد و محور همه تعهدات قراردادی و غیرقراردادی انتقال‌دهنده دانست (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). از تعهدات بنیادین انتقال‌دهنده فناوری، تسلیم همه پاره‌های فناوری و آشکارسازی مؤلفه‌های آن برای گیرنده می‌باشد. انتقال‌دهنده نه تنها باید اطلاعاتی را که برای بهره‌برداری از فناوری نیاز است بلکه باید هر نوع اطلاعات دیگری که برای بومی‌سازی، جذب و بهبود فناوری را که در اختیار دارد به انتقال گیرنده تسلیم نماید. این تعهد با دادن نوشته‌ها و دستورالعمل‌ها، راهنماهای فنی، دادن مجوز بهره‌برداری، تسلیم سخت‌افزار و نرم‌افزار، تجهیزات و دستگاه‌ها و دادن کمک‌های آموزشی، فنی و کارشناسی، مدیریتی و غیره انجام می‌گیرد.

جایگاه گواهی اختراع در قرارداد جذب فناوری

گفته شد که موضوع قراردادهای جذب فناوری این است که فناوری با همه اجزایش با سازوکار و ویژه‌های به دست گیرنده برسد و دربرگیرنده تجهیزات و دستگاه‌ها، نوآوری‌ها، دانش فنی و اطلاعات سری و نیز شاید دیگر حقوق فکری، مهارت‌ها و کمک‌های فنی و مدیریتی و آموزشی و همچنین چنانچه در قرارداد آمده باشد، علائمی که برای تجاری‌سازی فناوری نیاز است می‌باشد (رهبری، ۱۳۹۳: ۶۲۷).

نکته مهم در اینجا، پیوند میان این قرارداد و اختراع موضوع قرارداد است. پرسش این است که آیا با این قرارداد انتقال گیرنده، مالک فناوری می‌شود یا تنها حق بهره‌برداری از آن را به دست می‌آورد. می‌توان گفت که این قرارداد به چندگونه نمود می‌یابد. گاه دارنده نوآوری همراه با واگذاری نوآوری‌اش پایبند می‌شود که انتقال گیرنده را در این فناوری خودکفا سازد و همچنین در قرارداد لیسانس چنین تعهدی پذیرفته می‌شود. گاه

یکی از نیازهای کشورهای در حال توسعه دسترسی به فناوری‌های روز در راستای تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی و توانایی رقابت در بازار جهانی می‌باشد که معمولاً از طریق قراردادهای انتقال فناوری به این امر اقدام می‌شود، ازجمله این قراردادها، قرارداد جذب فناوری می‌باشد که در راستای رفع ناکارآمدی قالب‌های قراردادی موجود همچون لیسانس مطرح شده است، از آنجایی که انعقاد چنین قراردادی متمرکز بر فناوری‌های دارای گواهی اختراع می‌باشد، ازجمله مسائل قابل طرح در این زمینه این است که پس از ابطال گواهی اختراع قرارداد مذکور چه سرنوشتی خواهد یافت آیا این قرارداد باطل خواهد بود یا اینکه منفسخ می‌گردد در غیر این صورت، آیا انتقال گیرنده حق فسخ قرارداد را پیدا می‌کند یا خیر. برای پاسخگویی به این سؤال نخست باید ماهیت چنین قراردادی تبیین گردد پس از آن می‌توان بررسی کرد که ابطال گواهی اختراع چه خللی در قرارداد ایجاد می‌کند که در این راستا مطالعه حقوق تطبیقی و تحلیل‌های حقوق اقتصادی سودمند می‌باشد.

ساختار قرارداد جذب فناوری

اصولاً در گستره انتقال فناوری، نگرانی بنیادین بیشتر کشورها رخ ندادن انتقال همسو با هدفی است که از آن در نظر گرفته شده است. سرچشمه این نگرانی سازگار نبودن قراردادهای با فرآیند پیچیده انتقال و خواسته‌های گیرنده است. از این رو، شایسته است ساختار قراردادی دیگری مورد استفاده قرار گیرد تا نواقص این گستره را به کمال برساند. این ساختار قراردادی را می‌توان «قرارداد تحصیل و یا جذب فناوری»^۱ نامید. موضوع این قرارداد در واقع این است که فناوری با همه اجزایش با سازوکار ویژه‌ای به دست گیرنده برسد و برحسب شرایط و توانایی‌های دریافت‌کننده فناوری دربرگیرنده تجهیزات و ماشین‌آلات، اختراعات، دانش فنی و اطلاعات سری و شاید دیگر حقوق فکری، مهارت‌ها و کمک‌های فنی و مدیریتی و آموزشی و همچنین چنانچه در قرارداد آمده باشد، نشانه‌ها و علائمی که برای تجاری‌سازی فناوری نیاز است باشد (رهبری،

۱. در کتابچه وایپو در بندهای ۵۸-۳ و ۵۸-۳ از قراردادی سخن گفته می‌شود که در آن مالک حقوق انحصاری یا تأمین‌کننده دانش-چگونگی به تحقق تحصیل فناوری برای انتقال گیرنده رضایت می‌دهد.

World Intellectual Property Organization (WIPO), International Property Handbook Policy, Law and use, Geneva, 2nd edition, 2004.

ادکینز^۳، با ابطال گواهی اختراع، قرارداد منسوخ شده و لیسانس گیرنده از تعهد به پرداخت رویالتی‌های آینده بری می‌شود. بر اساس رأی لیر، لیسانس گیرنده در صورت پیروزی در دعوی ابطال گواهی اختراع از هنگام اقدام مثبت برای ابطال از تعهد به پرداخت بری می‌شود. دلیل این امر آن است که اگر لیسانس گیرنده علی‌رغم اقدام برای ابطال گواهی اختراع ناچار باشد که رویالتی‌ها را پرداخت کند، این امر با سیاست کلان حقوق اختراعات (که حمایت از بهره‌وری آزاد و رایگان از دانش عمومی است) در تعارض بوده و چه‌بسا لیسانس گیرنده تنها کسی باشد که بیشترین انگیزه برای درخواست ابطال را دارد و باید تلاش کرد تا با ایجاد انگیزه برای لیسانس گیرنده هنگامه ابطال گواهی‌های اختراع نابجا را جلو انداخت.^۴ این در حالی است که اگر دانش فنی به‌تنهایی موضوع لیسانس قرار گیرد، پذیرفته شده است که قرارداد در زمان بعد از افشای اسرار تجاری موضوع قرارداد لیسانس معتبر باشد. در پرونده «وارنر لمبرت علیه جان جی. رینالدز اینس» دادگاه پژوهش چنین رأی داد که برخلاف لیسانس حق اختراع، در لیسانس دانش فنی، طرفین می‌توانند آزادانه به هرگونه که بخواهند قرارداد ببندند و توسعه تعهد به پرداخت رویالتی به دوره پس از افشای اسرار تجاری مخالف نظم عمومی و سیاست کلان حقوق اختراعات نخواهد بود.^۵ با این وجود، در زمانی که دانش فنی به همراه گواهی اختراع مورد معامله قرار گیرد، این امر تثبیت شده است که علی‌الاصول عمر قرارداد بیش از عمر گواهی اختراع نخواهد بود.^۶ در رأی «سنت رجیس پیپر علیه صنایع رویال»^۷ شعبه نهم دادگاه پژوهش آمریکا به موضوع لیسانس مرکب پرداخت. این پرونده در زمینه لیسانس «حقوق گواهی‌نامه‌ای و دانش-چگونگی»^۸ ساخت کالاهای زیرپوشش نوآوری بوده است. سه سال پس از انعقاد قرارداد، سنت رجیس دلایلی را به دست آورد که نشان‌دهنده بی‌اعتباری گواهی‌نامه بود. ازین‌رو از پرداخت رویالتی خودداری کرده و دادخواست بی‌اعتباری گواهی‌نامه را به دادگاه داد. دادگاه بخش گواهی‌نامه را ابطال نمود و رأی داد که سنت رجیس

نیز قراردادی عهدی جداگانه‌ای بسته شده و در پی آن انتقال گیرنده حق بهره‌برداری را به دست می‌آورد. در نگاهی موشکافانه چنین دیده می‌شود قرارداد جذب فناوری قراردادی جدا از قرارداد واگذاری یا لیسانس باشد. به‌راستی، جوهره و انگیزش بنیادین این قرارداد، خودکفاسازی انتقال گیرنده و از بین بردن وابستگی‌اش در زمینه فناوری موضوع قرارداد است. اگرچه این قرارداد می‌تواند همراه با واگذاری حق اختراع یا دادن حق بهره‌برداری باشد، ولی جواز بهره‌برداری بنیان این قرارداد را تشکیل نداده و تعهدی تبعی است. می‌توان گفت که این قرارداد از قراردادهای عهدی است که بر پایه آن دارنده فناوری پایبند می‌گردد که زمینه توانمند شدن انتقال گیرنده را فراهم سازد و در راستای انجام تعهداتش و بر پایه تعهدی ضمنی حق بهره‌برداری از نوآوری را می‌دهد. این موضوع در ذیل بند ۱ ماده ۲۱ قانون حق اختراعات یونان بدین بیان تأکید شده است: «به‌ویژه در قرارداد انتقال فناوری، موارد زیر در درون مقصود و منظور این ماده به‌عنوان (اجزای) انتقال فناوری به شمار می‌آیند: الف) دادن مجوز برای بهره‌برداری از حق اختراع و یا اختراعات و اشیای مصرفی، ب) انتقال کامل حق اختراع یا حق ناشی از اشیای مصرفی و پروانه‌های موردنیاز برای بهره‌برداری...»^۱ باید پذیرفت که انگیزه بنیادین قرارداد جذب فناوری تنها رهایی از وابستگی نبوده و افزون بر آن انتقال گیرنده به دنبال رسیدن به توانایی رقابت در بازار است. انتقال گیرنده می‌خواهد جدا از برچیده شدن وابستگی‌اش، وارد بازار شده و از این راه به کسب درآمد بپردازد زیرا در نبود چنین اختیاری او همچنان وابسته خواهد بود. ازاین‌رو در یک واکاوی سنجیده از قرارداد جذب فناوری باید بر این اندیشه بود که قرارداد باید حق بهره‌برداری از فناوری را به فناوری پذیر بدهد؛ ولی در اینکه چنین حقی در ساختار قرارداد لیسانس باشد یا واگذاری، باید آزادی قراردادی طرفین نظر داشت و آنها خود ساختار شایسته را بر خواهند گزید.

ابطال گواهی اختراع و قرارداد جذب فناوری در حقوق تطبیقی

در حقوق آمریکا، هنگامی که موضوع قرارداد لیسانس تنها حق اختراع باشد، به‌موجب رأی‌های برولوت علیه تیز^۲ و لیر علیه

3. Lear, Inc. v. Adkins - 395 U.S. 653 (1969).
 4. Blonder Tongue v. University of Illinois Found., 402 U.S. 313 (1971).
 5. Warner-Lambert Pharmaceutical Company, Inc v. John J. Reynolds, Inc., 178 F.Supp. 655 (1959), pp.665-667.
 6. Aronson v. Quick Point Pencil Co., 440 U.S. 257 (1979).
 7. St. Regis Paper co. v. Royal Industries.552 F.2d 309 (1977).
 8. Know-how

1. Greece Patent Law (Law on Technology Transfer, Inventions and Technical Innovation as amended by Law no. 2359 of November 21, 1995, Entry Into Force: January 1, 1996).
 2. Brulotte v. Thys Co., 379 U.S. 29 (1964).

کسب شده است تعدیل یا استرداد وجوه پرداختی را حکم دهد.

ابطال گواهی اختراع و قرارداد جذب فناوری در حقوق ایران

همان‌گونه که گفته شد، موضوع قرارداد جذب فناوری صرفاً حق بهره‌برداری از اختراع یا انتقال مالکیت آن نیست بلکه دانش فنی و کمک‌های آموزشی و مدیریتی در راستای خودکفاسازی انتقال‌گیرنده فناوری در فناوری موضوع اختراع می‌باشد. بر این اساس، با ابطال گواهی اختراع و با در نظر گرفتن اثر قهقراپی آن که در بیشتر کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است (ماده ۲۷-۶۲۳ قانون اموال فکری فرانسه، ماده ۱۳ قانون ثبت اختراعات ترکیه و ...) یک چالش قراردادی خاص در قرارداد جذب فناوری مطرح می‌شود و آن اینکه آیا با ابطال گواهی اختراع قرارداد بلاعوض می‌شود یا خیر. پاسخ به این پرسش بسته به اینکه سبب ابطال چه باشد متفاوت خواهد بود که زیر به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ابطال گواهی اختراع در اثر فقدان شروط تازگی و بدیهی بودن و نقص افشا

در اینکه اعتبار گواهی اختراع از جهت شروط فوق، چه ارتباطی با قرارداد جذب فناوری دارد، سه نظر قابل بیان است. از یک دیدگاه می‌توان گفت که اعتبار گواهی اختراع صفت فناوری مورد معامله بوده و بر ارزش آن می‌افزاید (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۳؛ احسنی افروز، ۱۳۹۰: ۲۷۴). از نگاه دیگر، اعتبار گواهی اختراع شرط سلامت فناوری بوده و ابطال آن کاهش‌دهنده ارزش مورد معامله خواهد بود. همچنین می‌توان گفت گواهی اختراع جزئی از مورد معامله بوده و با ابطال آن بخشی از مورد معامله تلف شده و خیار تبعض صفقه مطرح می‌گردد. نکته قابل تأکید آن است که با توجه به چندگانگی موضوع قرارداد (حق اختراع یا حق بهره‌برداری از آن، دانش فنی و کمک‌های فنی و آموزشی و تجهیزاتی) صرف ابطال گواهی را نمی‌توان موجب بطلان کل قرارداد دانست (همان: ۲۰۹) زیرا باوجود ابطال گواهی بخش‌هایی از قرارداد همچنان پابرجا بوده و امکان ادامه قرارداد باقی است. بر همین اساس نیز باید پذیرفت که عقیده به انفساخ قرارداد نیز چندان سنجیده نمی‌نماید.

با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات، ممکن است ابطال صرفاً مربوط به ادعاهای اختراع یا بخشی از آن باشد. ادعاها اصولاً چند کارکرد اساسی دارند. نخست، آشکارسازی و

می‌تواند قرارداد را فسخ کند. دادگاه پس از بررسی قرارداد به این نتیجه رسید که «دانش-چگونگی» رویال برای ساخت کالاهای زیرپوشش گواهینامه چندان اساسی نبوده ولی برای سنت رجیس ارزشمند بوده است؛ زیرا با داشتن آن توانست زودتر به بازار دست یابد. دادگاه بیان کرد که در این قرارداد، دانش-چگونگی ارتباط بسیار نزدیکی با حقوق گواهینامه‌ای دارد و در چنین جاهایی همان قاعده‌ای که با ابطال گواهینامه، رویالتی‌ها مربوط به حق اختراع را غیرقابل دریافت می‌داند باید درباره دانش-چگونگی نیز به کار بسته شود.

با این حال، همان‌گونه که در پرونده‌های سنت رجیس پیبر علیه صنایع رویال، بیان شد، منبای دادگاه در پذیرش عدم امکان اجرای تعهدات به پرداخت رویالتی را چنین دانسته است که حقوق برآمده از گواهینامه اهمیتی بنیادین در تعیین رویالتی‌ها داشته است. از این سخن به روشنی می‌توان دریافت که چنانچه حقوق برآمده از گواهینامه اهمیتی بنیادین در تعیین رویالتی‌ها نداشته و رویالتی‌ها بیشتر بر پایه دانش فنی باشد، قرارداد همچنان لازم‌الاجرا خواهد بود و لیسانس گیرنده نمی‌تواند به استناد ابطال گواهینامه، قرارداد را بر هم زند.

در حقوق ترکیه^۱ و چین (لیپینگ و لینا، ۲۰۱۱: ۸۹۷) و ایتالیا گرچه اثر ابطال گواهی اختراع قهقراپی است؛ ولی قراردادهای منعقد که اجرا شده باشند از این تأثیر مستثنی هستند. ماده ۵۹ اصلاحی قانون اختراعات ایتالیا که در راستای اصلاح رویه قضایی بوده است، چنین مقرر می‌دارد: «اعلام بی‌اعتباری گواهی اختراع اثر قهقراپی دارد؛ ولی در قراردادهای منعقد که پیش از اعلام بی‌اعتباری نهایی شده‌اند، به‌اندازه‌ای که تا پیش از ابطال اجرا شده است مؤثر نیست، گرچه قاضی می‌تواند، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، حکم به استرداد مبلغی منصفانه برای اجرای سابق دهد» (واهرنوار، ۱۹۹۵: ۲۰۵). این بدان معناست که ابطال گواهی در آن قسمت از قرارداد که به اجرا درآمده‌اند بی‌تأثیر بوده و در قرارداد جذب فناوری نیز منتقل‌الیه به استناد ابطال گواهی نمی‌تواند استرداد وجوه پرداختی خواستار شود. با این حال به دادگاه اختیار داده شد که چنانچه انصاف اقتضا داشته باشد استرداد بخشی از پرداخت‌ها را حکم دهد. بر این اساس دادگاه می‌تواند با در نظر گرفتن این که چه بخشی از قرارداد اجرا شده و چه منافی از سوی فناوری پذیر

1. Decree-Law No. 551 on the Protection of Patent Rights in Force as from June 27, 1995. Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=129944

صفت را از دست دهد. از همین روست که این خیار تنها در مبیع عین شخصی یا کلی در معین می‌باشد و در مبیع کلی جاری نیست؛ زیرا شرط صفت در مبیع عین شخصی از دسته شروط حاصلی است و نه حصولی (همچون شرط نتیجه) یا تحصیلی (همچون شرط فعل) (تولیت، ۱۳۸۸: ۲۳)؛ بنابراین، خیار تخلف از شرط صفت منصرف به صفات واقعی است که در هنگام قرارداد یا تسلیم در جهان واقعی موجود نبوده است. این در حالی است که اعتبار گواهینامه صفتی اعتباری است و بآنکه در هنگام قرارداد و نیز پس از تسلیم گواهینامه معتبر بوده است، قانون‌گذار می‌تواند اعتبار نماید که در آن زمان گواهینامه نادرست بوده و از صفت اعتبار برخوردار نبوده است. در برابر، در قرارداد فروش کالایی همچون فرش کاشان نمی‌توان تصور کرد که آن فرش تا امروز فرش کاشان بوده باشد ولی امروز بتوان اعتبار کرد که از آغاز این کالا فرش کاشان نبوده است. می‌دانیم گرچه قانون‌گذار اثر ابطال گواهینامه را از هنگام ثبت می‌داند؛ ولی این سخن بدان معنا نیست که تاکنون در بازار این گواهینامه بی‌اثر بوده باشد. تا پیش از ابطال، دارنده مجوز بهره‌برداری می‌توانست از بازاری انحصاری یا نیمه‌انحصاری بهره‌مند باشد. پس به‌راستی گواهینامه تا پیش از ابطال معتبر شناخته می‌شده است؛ ولی قانون‌گذار چنین اعتبار کرده که گواهینامه از آغاز بی‌اعتبار بوده است. همچنان که در ماده ۵۹ اصلاحی قانون اختراعات ایتالیا، ماده ۷۴ قانون اختراعات چین و ماده ۱۳۱ قانون ثبت اختراعات چین، قانون‌گذار اثر قهقرایی ابطال گواهی اختراع در قراردادهای مقدم بر ابطال را استثناء کرده است. همچنین قانون‌گذار در ماده ۱۸ ق.ت.ا. واژه «ابطال» را به‌کار برده است و نه «اعلام بطلان» که به‌روشنی نشان‌دهنده معتبر شناخته شدن گواهینامه تا هنگام ابطال می‌باشد. بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد که همانندسازی اعتبار گواهینامه با شرط صفت چندان به‌جا نباشد.

شاید گفته شود که مراد از شرط صفت همانا تضمین اعتبار باشد. برای پاسخ به این ادعا شایسته است که نگاهی بر شرط وراثتی بیفکنیم. وراثتی که در برابر گارانتی قرار می‌گیرد، به‌راستی خود تعهد است و متعهد وراثتی درستی و صحت مورد تعهد را اقرار و تأیید می‌کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). گفته می‌شود که در راستای تحقق انتقال فناوری، تضمین عقدی فناوری فرست می‌بایست بخش غیرملموس قرارداد همچون دانش چگونگی، فرایند ساخت کالا،... و نیز مالکیت فناوری موضوع قرارداد و اعتبار قانونی اختراع را در برگیرد (همان: ۹۹). باید به یادداشت که مراد نویسندگان از سخن

افشای اختراع، تعیین محدوده موضوع ثبت اختراع و تمایز اختراع از فن پیشین (دوره ام، ۱۹۹۹: ۶۶-۷۹). گرچه در قانون ثبت اختراعات گسترش دامنه ادعاها از موجبات ابطال دانسته نشده است ولی به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات این دسته از ادعاها ابطال می‌شود گرچه به ابطال گواهینامه نمی‌انجامد. گسترش ناروای دامنه ادعا بدین معناست که موضوع اختراع به فراسوی اظهارنامه ثبت گسترش داده شود (صادقی و امینی، ۱۳۹۱: ۶۲). در مواردی که ابطال مربوط به بخشی از ادعا یا ادعاها باشد، به نظر می‌رسد که در پی ابطال ادعا در اثر گستردگی، دامنه ادعاها و به‌تبع آن محدوده انحصار کاهش می‌یابد، از ارزش موضوع قرارداد کاسته می‌شود، همان تحلیل‌های ارائه شده در خصوص فقدان شرط تازگی و بدیهی نبودن حاکم باشد. در زیر به این موضوعات با لحاظ اینکه در فقدان گام ابتکاری فناوری نمود خارجی دارد ولی ارزش اقتصادی آن با فقدان گواهی اختراع پایین‌تر است و همچنین از آنجا که نقص افشا از موارد ابطال شکلی و عدم رعایت تشریفات ثبت گواهی است و نبود فناوری موضوع قرارداد را اثبات نمی‌کند؛ بلکه تنها ارزش گواهی اختراع را کاهش می‌دهد، به دلیل تشابه اثر، نیازمند ضمانت اجرای مشابه است، پرداخته می‌شود.

– اعتبار گواهی اختراع به‌عنوان صفت موضوع قرارداد

برابر ماده ۲۳۴ قانون مدنی «شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت و کمیت مورد معامله». هرگاه در ضمن عقد شرط شود که عین شخصی مورد معامله در آن عقد متصف به ویژگی خاصی باشد، آن شرط، شرط صفت است. (تولیت، ۱۳۸۸: ۱۳) شرط صفت به‌راستی از شمار شروط ضمن عقد نبوده و همانا بیان صفات و ویژگی‌های ممیز عوضین است. (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

نکته‌ای که در اینجا می‌بایست به یادداشت آن است که فسخ به استناد شرط صفت به گذشته نیز نظر دارد؛ بدان معنا که کل عوض می‌بایست مسترد گردد نه آنکه همچون انفساخ، پیامد آن تنها بر آینده قرارداد باشد. اگر ابطال گواهینامه (که نشان می‌دهد گواهینامه از آغاز بی‌اعتبار بوده است) موجب خیار تخلف از شرط صفت دانسته شود، با ایرادی روبه‌روست. همان‌گونه که از ماده ۲۳۵ ق.م. دریافت می‌شود، خیار تخلف از شرط درجایی است که پس از قرارداد آشکار گردد که مورد معامله دارای وصف شرط شده نیست نه آنکه پس قرارداد آن

آوردن انحصار بهره‌برداری از نوآوری بوده است یا اینکه هدف آن توانمند شدن در فناوری‌ای بوده که دریافت‌کننده فناوری از آن بی‌بهره است؟ همچنین، آیا موضوع معامله در این قرارداد همانا خود فناوری نیست؟ به نظر می‌رسد که موضوع معامله در این قرارداد، جذب یک فناوری با همهٔ پاره‌ها و ملزومات آن است و اعتبار گواهینامه اختراع شرط سلامت آن می‌باشد. با ابطال موضوع قرارداد همان است که پیش از این بوده و هیچ دگرگونی در آن پدید نمی‌آید ولی از ارزش فناوری کاسته می‌شود. از آنجایی که این کاستی ریشه در پیش از قرارداد دارد، با ابطال گواهینامه شایسته آن است که دریافت‌کننده فناوری بتواند از خیار عیب (که از اختیارات عمومی است) بهره‌مند گردد.

۱۵۹- بر اساس مادهٔ ۴۲۲ اگر پس از قرارداد روشن گردد که مبیع پیش از قرارداد معیوب بوده است خریدار می‌تواند قرارداد را بر هم زند یا آرش بگیرد. نکته‌ای مهم در اینجا آن است که ابطال گواهینامه پس از قرارداد رخ می‌دهد ولی ریشهٔ ابطال به‌پیش از قرارداد برمی‌گردد. این امر در مادهٔ ۱۸ ق.ت.ا نیز تأیید گردیده است و از این رو نمی‌بایست عیب ناشی از ابطال گواهینامه را حادث خواند. نکتهٔ دوم اینکه آیا با ابطال گواهینامه، انتقال گیرنده حق بر هم زدن قرارداد را دارد؟

بر اساس مادهٔ ۴۲۹ ق.م. در برخی موارد خریدار نمی‌تواند قرارداد را فسخ نماید: «۱- در صورت تلف شدن نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر؛ ۲- در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر به فعل مشتری باشد یا نه؛ ۳- در صورتی که بعد از قبض مبیع، عیب دیگری در آن حادث شود مگر اینکه در زمان خیار مختص به مشتری حادث شده باشد که در این صورت مانع از فسخ و رد نیست». با توجه به اطلاق مادهٔ ۴۲۲ چنین می‌نماید که موارد بیان شده استثنایی و حصری می‌باشد. از این رو، اگر موردی در سه بند گفته شده جای نگیرد نمی‌تواند مانع فسخ از سوی خریدار به شمار آید. شاید نتوان انتقال دانش به دریافت‌کننده فناوری در قرارداد جذب فناوری تلف دانست؛ زیرا دانش انتقال یافته است و نابود نشده است. فناوری فرست گرچه دانش خود را به دریافت‌کننده فناوری انتقال داده است؛ ولی خود هنوز این دانش را در اختیار دارد، بر این اساس چگونه می‌توان از تلف دانش سخن گفت. باید بررسی شود که آیا با انتقال دانش از سوی فناوری فرست به دریافت‌کننده فناوری تغییری در دانش رخ داده است یا خیر. در پاسخ به این پرسش نیز می‌توان گفت که با انتقال دانش تغییری در آن رخ نمی‌دهد که بتوان از دگرگونی آن سخن گفت و چه بسا دانش پخته‌تر شود. از این رو، در نگاه نخست

فوق، تضمین اینکه گواهینامه از ادارهٔ ثبت دریافت شده، نمی‌باشد و به‌راستی مراد آنان تضمین این است گواهینامه از سوی ادارهٔ ثبت به‌درستی داده شده و از این رو در آینده ابطال نخواهد شد. اگر این سخن را بدان گونه که بیان شد بپذیریم با ایرادی اساسی روبرو خواهیم بود؛ زیرا تضمین بر اینکه گواهینامه در آینده نیز ابطال نخواهد شد، ناممکن و فراتر توانایی دارندهٔ گواهینامه است (پولتوراک، ۲۰۰۴: ۶۳)؛ زیرا این شرط همانند آن است که شرط شود بوته‌های گندم به سنبله برسد که باطل است زیرا نامقدور می‌باشد (عاملی، ۱۴۱۲: ۳۳۱)؛ بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که تضمین ابطال نشدن گواهینامه یکی از شروط ضمنی قرارداد بوده که در صورت ابطال آن، خیار تخلف از شرط صفت را به همراه خواهد داشت. به‌راستی، چنین شرطی نامقدور بوده و گرچه باطل است ولی قرارداد را باطل نمی‌کند (بند ۱ ماده ۲۳۲ ق.م).

– اعتبار گواهینامه به‌عنوان شرط سلامت مورد معامله

۱۵۷- اصل در فروش اعیان و اشخاص سلامت از عیوب می‌باشد (عاملی، ۱۴۱۹: ۳۹۴). هنگامی که خریدار در برابر آن کالا مالی می‌دهد، به‌راستی او بر پایهٔ ظن غالبش که مبتنی بر اصاله‌السلامه می‌باشد اقدام کرده است، از این رو، اگر عیبی سابق بر عقد آشکار گردد زیان او می‌بایست به طریقی جبران گردد که همانا ثبوت خیار بین امضا و فسخ می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۸۰).

عیب به‌راستی خروج از مجرای طبیعی به دلیل فزونی یا کاستی است که از ارزش کالا بکاهد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۷۳). در عیب، کالا همچنان باقی بوده ولی در پیکرهٔ آن کاستی یا فزونی غیرطبیعی است، برخلاف صفت که کالا از طبیعتش خارج نشده ولی آن ویژگی که خریدار می‌خواسته را ندارد.

همان گونه که پیش‌ازین گفته شد، در قرارداد جذب فناوری، گواهی اختراع پاره‌ای از مورد معامله بوده و چنانکه برخی حقوقدانان بیان نمودند بخت سودآوری قرارداد بسیار وابسته به انحصار برآمده از گواهینامه است. (صادقی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۲) بنابراین، با ابطال گواهینامه از اندازه سودآوری قرارداد کاسته خواهد شد؛ ولی باید به یادداشت که در این قرارداد در کنار گواهینامه اختراع، دانش فنی و افزون بر آن تجهیزات و کمک‌های آموزشی ... نیز مورد معامله قرار می‌گیرند تا اینکه زمینه‌های جذب فناوری در فناوری برای دریافت‌کننده فناوری فراهم شود. هنگامی که گواهینامه ابطال گردد از سودآوری قرارداد کاسته می‌شود ولی آیا قرارداد جذب فناوری تنها برای به دست

گواهی اختراع جزئی از آن است. به سخن دیگر در این قرارداد چند چیز معامله نمی‌شود؛ بلکه یک چیز که خود دارای اجزای کوچک‌تری است مورد معامله قرار می‌گیرد. این نکته با این امر که حق اختراع از ملزومات قرارداد است نیز تقویت می‌شود. با این وجود می‌توان استدلال کرد که فناوری پذیر همه اجزای فناوری را باهم خواسته است نه هر یک را جدا از هم. همچنان که در قرارداد اجاره ممکن است یک مال مورد اجاره باشد ولی این مال خود دارای اجزایی باشد و در صورت تلف جزئی از آن مستأجر حق فسخ دارد.

پذیرش خیار تبعض صفقه برای فناوری پذیر این حسن را دارد که می‌تواند بین فسخ قرارداد و ابقای آن همراه با تقلیل نسبی عوض تصمیم‌گیری کند و از سوی دیگر، چون ممکن است بخش اجرا شده قرارداد برای او چندان سودمند نباشد کل قرارداد را فسخ نموده و نسبت به بخش اجرا شده عوض متناسب را به‌عنوان اجرت‌المثل پرداخت نماید.

سایر موارد ابطال گواهی اختراع

با توجه به هدف بنیادین قرارداد جذب فناوری، در مواردی که ابطال گواهی اختراع به سبب فقدان کاربرد صنعتی و یا نداشتن صفت اختراع می‌باشد، از آنجاکه از ابتدا دسترسی به هدف بنیادین غیرممکن می‌باشد و در این موارد اختراع چیزی را نصیب فناوری پذیر نمی‌کند تردیدی نیست که قرارداد می‌بایست باطل شمرده شود؛ زیرا آنچه طرفین می‌خواسته‌اند هرگز قابل تحقق نبوده و نمی‌توان پذیرفت که چیزی نصیب فناوری پذیر شده باشد. در حقیقت در این موارد، فناوری خاصی در کار نبوده تا بتوان جذب کرد.

در مواردی که دلیل ابطال مخالفت بانظم عمومی است، از آنجا که موضوع قرارداد قابلیت استیفا برای فناوری پذیر را نداشته و فناوری پذیر حتی اگر چیزی از دانش فنی و اسرار تجاری را کسب کرده باشد نمی‌تواند از آن بهره‌برداری کند، به‌لحاظ ممتنع بودن موضوع از هنگام انعقاد قرارداد، با لحاظ اینکه غایت قرارداد جذب فناوری، خودکفایی در شاخه‌ای از فناوری متضمن امکان بهره‌برداری از آن در بازار است، قرارداد باطل بوده و وجوه پرداختی از مصادیق اکل بالباطل است که می‌بایست مسترد گردد.

با توجه به ماده قانون ثبت اختراعات، ممکن است ابطال صرفاً مربوط به ادعاهای اختراع یا بخشی از آن باشد. ادعاهای اصولاً چند کارکرد اساسی دارند. نخست، آشکارسازی و افشای اختراع، تعیین محدوده موضوع ثبت اختراع و تمایز اختراع از فن

نمی‌توان از سقوط حق فسخ سخن گفت. با این همه به نظر می‌رسد که این موضوع به ژرف‌نگری بیشتری نیاز دارد. می‌توان پرسید که چرا قانون‌گذار موارد بیان‌شده در ماده ۴۲۹ را از استثنائات حق فسخ دانسته است. به نظر می‌رسد که آنچه مانع از فسخ است ناتوانی در بازگرداندن مبیع به همان گونه که فروخته شده می‌باشد. (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۷۲) رد مبیع که همانا فسخ قرارداد است می‌بایست به‌گونه‌ای باشد که همه چیز را به گذشته برگرداند؛ ولی هنگامی که در مبیع تغییری رخ می‌دهد آنچه خریدار می‌خواهد برگرداند همان چیزی که خریده نیست و از این رو شایسته است که خریدار نتواند فسخ کند. با فسخ قرارداد جذب فناوری، اگر قرارداد پیش‌ازین به مرحله اجرا درآمده باشد، آیا فناوری پذیر می‌تواند دانش و آموزش‌هایی را که کسب را هم پس دهد؟ به نظر می‌رسد که نمی‌توان پذیرفت که فناوری پذیر بتواند دانش مکتسبه را برگرداند و دیگر آن دانش را نداشته باشد (انصاری، ۱۳۸۴: ۹۳).

- خیار تبعض صفقه به‌عنوان ضمانت اجرای ابطال گواهی اختراع

۱۶۰- به‌موجب ماده ۴۴۱ قانون مدنی خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد. در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ کند یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد نماید. باید دانست که خیار تبعض صفقه که از خيارات عمومی است تنها ناظر به بطلان ابتدایی قرارداد نمی‌باشد و تلف موضوع درائتای قراردادهای مستمر را نیز شامل می‌شود. به‌موجب ماده ۴۸۳ قانون مدنی، اگر در مدت اجاره عین مستأجره به‌واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف گردد از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود و در صورت تلف بعض آن مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره نماید.

از آنجایی که عموماً قرارداد جذب فناوری قراردادی مستمر است و تعهدات به‌صورت مرحله‌ای انجام می‌گیرد به نظر می‌رسد که می‌توان ماده ۴۸۳ ق.م. را در اینجا اجراشدنی دانست. با این حال نکته‌ای که باقی می‌ماند، چندگانگی موضوع قرارداد جذب فناوری است. آیا می‌توان گفت که موضوع قرارداد فناوری چند چیز است و گواهی اختراع تنها یکی از موارد معامله به شمار می‌آید. در نگاه نخست می‌توان گفت که موضوع اصلی معامله یک فناوری در هیئت کلی می‌باشد و

عمومی را کشف نماید چگونه می‌توان از مخترع چنین انتظاری را داشت. بر این اساس، درحالی‌که دارنده گواهینامه با اتکا بر اصل صحت ثبت اختراع به لحاظ صدور از مرجع قانونی اقدام به سرمایه‌گذاری و صرف وقت و هزینه جهت انتقال فناوری در قالب قرارداد جذب فناوری کرده است، عقیده بر بطلان (با پذیرش دیدگاه شیخ انصاری و موافقان او) به این معناست که باید همه آنچه دریافت شده است مسترد گردد. در برابر می‌توان ادعا کرد که عقیده بر بطلان می‌تواند این مزیت را داشته باشد که مخترع در هنگام ثبت همه رازها و ریزه‌کاری‌های مربوط به اختراع را آشکار کند تا بررسی اینکه ممکن است اختراع خلاف شرع باشد دقیق‌تر انجام گیرد. در خصوص اختراعات فاقد کاربرد صنعتی نیز عقیده بر بطلان قرارداد می‌تواند این پیام را برای مخترعین دارد که ثبت اختراعات فاقد کاربرد صنعتی نه تنها آورده‌ای برای آنها ندارد بلکه هزینه‌های دیگری نیز بر آنها تحمیل می‌نماید.

در خصوص پذیرش خیار وصف، باید گفت که حق فسخ تنها نمی‌تواند ضمانت اجرای دقیقی برای این وضعیت باشد زیرا که موضوع معامله در قرارداد جذب فناوری تنها حق اختراع نیست بلکه جذب فناوری در فناوری موضوع اختراع می‌باشد و گواهی اختراع بر ارزش موضوع معامله می‌افزاید. در حقیقت خیار وصف تنها دو گزینه روبروی فناوری پذیر قرار می‌دهد: فسخ معامله و بر هم زدن آن یا پذیرش قرارداد بهمان گونه که هست. از این رو، اگر باوجود ابطال گواهی اختراع بقای قرارداد برای فناوری پذیر مطلوب باشد او ناچار است همان عوضی را پرداخت نماید که اگر گواهی معتبر بود می‌بایست پرداخت شود و حال آنکه با ابطال گواهی و قطع انحصار برآمده از آن به یقین بخت سودآوری قرارداد کاهش می‌یابد. بر این اساس، فناوری پذیر ناچار است عوضی را پرداخت نماید که در برابر آن چیزی دریافت نمی‌کند.

پذیرش خیار عیب در حالتی که قرارداد به اجرا درنیامده باشد مناسب به نظر می‌رسد ولی اگر قرارداد به اجرا درآمده باشد، با لحاظ آنچه در خصوص خیار وصف و نیز حق فسخ در خیار عیب گفته شده است نمی‌تواند برای فناوری پذیر شایسته باشد؛ زیرا گرچه گواهینامه اساس قرارداد را تشکیل نمی‌دهد ولی ممکن است بقای قرارداد منعقد شده برای فناوری پذیر مطلوب نباشد و او بخواهد فناوری دیگری را جایگزین نماید. از این رو شایسته است که فناوری پذیر ضمانت اجرایی در اختیار داشته باشد که در صورت رضای به قرارداد ارزش اعتبار گواهی از میزان عوض کسر گردد و از سوی دیگر بتواند چنانچه بقای قرارداد برای او مطلوب نباشد آن را فسخ نماید.

پیشین (دوره ام، ۱۹۹۹: ۶۶-۷۹). گرچه در قانون ثبت اختراعات گسترش دامنه ادعاها از موجبات ابطال دانسته نشده است؛ ولی به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات این دسته از ادعاها ابطال می‌شود گرچه به ابطال گواهینامه نمی‌انجامد. گسترش ناروای دامنه ادعا بدین معناست که موضوع اختراع به فراسوی اظهارنامه ثبت گسترش داده شود (صادقی و امینی، ۱۳۹۱: ۶۲). در مواردی که ابطال مربوط به بخشی از ادعا یا ادعاها باشد، به نظر می‌رسد که در پی ابطال ادعا در اثر گستردگی، دامنه ادعاها و به تبع آن محدوده انحصار کاهش می‌یابد، از ارزش موضوع قرارداد کاسته می‌شود، همان تحلیل‌های ارائه شده در خصوص فقدان شرط تازگی و بدیهی نبودن حاکم باشد.

تحلیل اقتصادی ضمانت اجرای ارائه شده

گفته شد که در صورت ابطال گواهی اختراع، چند نظر در خصوص وضعیت قرارداد جذب فناوری قابل طرح است. از یکسو می‌توان ادعا کرد که به لحاظ موجود نبودن اختراع موضوع معامله، قرارداد اساساً باطل است. عقیده بر بطلان، موجب می‌شود که حق انتخاب دو طرف قرارداد بر ادامه رابطه قراردادی سلب گردد. این در حالی است که ممکن است برای فناوری پذیر ادامه رابطه قراردادی (گرچه با اندکی تعدیل) مناسب‌تر باشد. گرچه قواعد مربوط به شرایط اساسی قراردادها را می‌توان از قواعد مرتبط با نظم عمومی دانست؛ ولی درجایی که خود قرارداد مغایرتی با نظم عمومی ندارد شایسته‌تر آن است که تصمیم راجع به سرنوشت قرارداد به طرفین واگذار شود، همچنان که در صورت عدم طرح دعوا، طبق مقررات ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، رأساً نمی‌توان بطلان قراردادی را اعلام نمود. این موضوع در خصوص انفساخ نیز جاری است. (رهبری، ۱۳۹۳: ۵۱۵) با این حال عقیده بر بطلان در موارد نداشتن کاربرد صنعتی و منافات با نظم عمومی موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا این امر هدف قانون‌گذار بر اعطای حقوق انحصاری به نوآوری‌های واجد کاربرد صنعتی و غیرمنافی با نظم عمومی را تأمین می‌کند. در حقیقت، هنگامی که در ازای اختراع منفی نظم عمومی، چیزی عاید مخترع نمی‌شود، این نتیجه را به دنبال دارد که مخترعین تلاش کنند تا به سمت نوآوری‌هایی گام بردارند که با نظم عمومی جامعه در تعارض نباشد. با این حال، در صورت عقیده بر بطلان قرارداد و استرداد تمام وجوه ممکن است موجب تردیدی در مخترع اختراعات مشکوک جهت ثبت اختراع باشد زیرا وقتی اداره ثبت با تمام ابزار و مشاوران نتوانست منافات اختراع با نظم

فراهم می‌سازد موضوع قرارداد است و به نظر می‌رسد که اساس قرارداد جذب فناوری دانش فنی است که می‌بایست با سازوکار ویژه‌ای به انتقال گیرنده منتقل شود به گونه‌ای که او در فناوری موضوع قرارداد به خودکفایی برسد و اعطای مجوز بهره‌برداری، جزئی از قرارداد در راستای ورود انتقال گیرنده به بازار است. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که ابطال گواهی اختراع را نمی‌توان موجب بطلان قرارداد و یا انفساخ آن دانست. در خصوص اینکه آیا با ابطال گواهی اختراع، انتقال گیرنده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت یا خیر می‌توان سه مبنا را مطرح کرد. از یک نظر می‌توان وجود حق اختراع را وصف فناوری دانست که با ابطال گواهی، انتقال گیرنده حق فسخ به استناد خیار تخلف از شرط خواهد داشت. با این وجود، با لحاظ وجود واقعی انحصار ناشی از گواهی اختراع در بازار تا پیش از ابطال، می‌توان ادعا کرد که تا پیش از ابطال، فناوری واقعاً وصف موردنظر داشته است و نمی‌توان ادعا کرد که موضوع قرارداد از ابتدا فاقد وصف مورد نظر بوده است. از منظر دیگر، می‌توان گفت که وجود گواهی اختراع با لحاظ حقوق انحصاری که بخت سودآوری را افزایش می‌دهد است، شرط سلامت فناوری بوده که با ابطال، ارزش موضوع قرارداد کاهش یافته و نقص محسوب می‌شود. با این وجود، از آنجایی که انعقاد قرارداد جذب فناوری همواره مستلزم وجود گواهی اختراع نبوده و در زمینه دانش فنی پیچیده که با سادگی قابل کشف برای دیگران نباشد نیز انعقاد این قرارداد قابل تصور است و بنابراین، وجود گواهی اختراع جزء طبیعت فناوری موضوع قرارداد نیست که فقدان آن را بتوان نقص دانست. می‌توان گفت که موضوع قرارداد جذب فناوری، یک فناوری در هیئت کلی است که دارای اجزای مختلفی از جمله گواهی اختراع است و وجود گواهی اختراع بر ارزش موضوع معامله می‌افزاید و در صورت ابطال گواهی اختراع بخشی از موضوع معامله (با لحاظ وجود انحصار واقعی تا پیش از ابطال) تلف شده و در نظر گرفتن مستمر بودن قرارداد جذب فناوری، با وحدت ملاک از قواعد عقد اجاره، موجب خیار تبعض صفة برای خریدار خواهد بود. از لحاظ تحلیل اقتصادی، پذیرش خیار تبعض صفة حقوق هر دو طرف قرارداد را بیشتر تأمین می‌نماید و با اهداف کلان حقوق اختراعات سازگارتر است؛ زیرا نه تنها انگیزه انتقال گیرنده برای درخواست ابطال گواهی اختراع نابجا و در نتیجه حذف آن در راستای حمایت از دانش عمومی و برچیده شدن انحصارهای نابجا حفظ می‌شود، بلکه به خریدار این اختیار را می‌دهد که با لحاظ نفع کلی‌اش، در اینکه ادامه قرارداد را با کاهش روایتی بپذیرد و یا اینکه قرارداد را فسخ نماید. از سوی

پذیرش خیار تبعض صفة به استناد ماده ۴۸۳ ق.م.چند حسن دارد. نخست آنکه ضمانت اجرایی را برای فناوری پذیر فراهم می‌نماید که تصمیم بگیرد، آیا قرارداد را از آغاز فسخ کند یا بقای آن را با کاهش نسبی عوض بپذیرد. از سوی دیگر، این خیار، حقوق دارنده گواهی را نیز تضمین می‌نماید زیرا منافع مکتسبه فناوری پذیر از حق اختراع (و نیز عوض اسرار تجاری و دانش فنی و دیگر اجزای قرارداد) تا هنگام ابطال بی‌عوض نمی‌ماند. همچنین، این اختیار را به قاضی می‌دهد تا بررسی نماید آیا این قسمت از اجرای قرارداد منفعتی را برای فناوری پذیر حاصل نموده است یا خیر. چنانچه قرارداد هنوز به اجرا درنیامده و یا بخش اجرا شده ناچیز باشد طبیعی است که با فسخ کل قرارداد و فقدان منافع تحصیلی وجوه پرداختی قابل استرداد باشد و اجرت‌المثلی را نمی‌توان حکم داد. ولی اگر بخش قابل توجهی از قرارداد اجرا شده باشد می‌توان برای آن بخش اجرا شده با لحاظ منافی که ممکن است از سوی فناوری پذیر تحصیل شده باشد اجرت‌المثل شایسته را حکم داد. در حقیقت، پذیرش خیار تبعض صفة نه تنها عدالت قراردادی و انتظارات طرفین را به طور کامل برآورده می‌سازد بلکه با سیاست کلان حقوق اختراعات نیز سازگار است زیرا مخترع را از نتایج اشتباه اداره ثبت اختراع مصون داشته و بدین طریق انگیزه برای ثبت اختراعات و افشای اطلاعات فنی کاهش نمی‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از پرسش‌های قابل طرح در خصوص قرارداد جذب فناوری، تأثیر ابطال گواهی در وضعیت قرارداد است. در حقیقت، مسئله این است که با ابطال گواهی اختراع، قرارداد جذب فناوری باطل می‌شود یا اینکه انتقال گیرنده فناوری مستحق فسخ قرارداد می‌شود و نیز آیا می‌توان در چنین وضعیتی عقیده بر انفساخ داشت یا خیر. برای یافتن پاسخی دقیق نخست باید بررسی شود که گواهی اختراع چه جایگاهی در قرارداد دارد. موضوع قراردادهای جذب فناوری این است که فناوری با همه اجزایش با سازوکار ویژه‌ای به دست گیرنده برسد و دربرگیرنده تجهیزات و دستگاه‌ها، نوآوری‌ها، دانش فنی و اطلاعات سری و نیز شاید دیگر حقوق فکری، مهارت‌ها و کمک‌های فنی و مدیریتی و آموزشی و همچنین چنانچه در قرارداد آمده باشد، علائمی که برای تجاری‌سازی فناوری نیاز است می‌باشد؛ بنابراین، موضوع این قرارداد تنها حق اختراع نمی‌باشد؛ بلکه مجموعه‌ای از حق اختراع و دانش‌های فنی به همراه کمک‌های آموزشی و فنی و مدیریتی که زمینه توانمند شدن انتقال گیرنده را در نوآوری

- Aronson, V. (1979). *Quick Point Pencil Co.* 440 U.S. 257.
- Blonder Tongue, V. (1971). *University of Illinois Found.* 402 U.S. 313.
- Brulotte, V. (1964). *Thys Co.*, 379 U.S. 29.
- Decree-Law (1995). No. 551 on the Protection of Patent Rights in Force as from June 27, Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=129944
- Durham, Alan L. (1999). *Patent law essentials: a concise guide.* Quorum Books, London.
- Greece Patent Law (1995, 1996). *Law on Technology Transfer.* Inventions and Technical Innovation as amended by Law no. 2359 of November 21. Entry Into Force: January 1.
- Liping, Huang & Lina, Zhang (2011). "Research on the Relationship Between Invalid Patent and the Validity of Patent Contract". *Proceedings of the 8th International Conference on Innovation & Management*, Springer, p.897.
- Lear, Inc. V. (1969). *Adkins* - 395 U.S. 653.
- Poltorak, Alexander I. & Lerner, Paul J. (2004). *Essentials of Licensing Intellectual Property.* John Wiley & Sons, Inc.
- St. Regis Paper co. V. (1977). *Royal Industries.* 552 F.2d 309.
- Vahrenward, Arnold (1995). *Patent License Contracts in English.* French and Italian Law, Centre Bar, Kyiev.
- Warner-Lambert (1959). *Pharmaceutical Company. Inc v. John J. Reynolds, Inc.* 178 F.Supp. 655 pp.665-667.
- World Intellectual Property Organization (WIPO) (2004). *International Property Handbook Policy.* Law and use, Geneva, 2nd edition.

دیگر، با لحاظ موجود دانستن انحصار واقعی تا پیش از ابطال و لزوم پرداخت عوض متناسب (که می‌تواند برحسب فسخ کل قرارداد یا کاهش نسبی عوض) برای مدت پیش از ابطال، انتظارات دارنده فناوری را نیز تأمین نموده و انگیزه برای ثبت اختراع و انعقاد قراردادهای انتقال فناوری حفظ می‌شود و مخترعین را از خطرات ابطال ایمن نگه می‌دارد.

منابع

- انصاری، مهدی (بی‌تا). «قرارداد بین‌المللی لیسانس تکنولوژی». مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- تولیت، عباس (۱۳۸۸). «تحلیل قصد متعاقدين در تخلف از شرط صفت». فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۴۱ و هشتم، صص ۱۱-۲۶.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه (ط - الحدیثه). جلد ۶ قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه). ۱۴ جلد. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- _____ (۱۴۱۳). قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۰). «شیوه‌های قراردادی انتقال فناوری در تجارت بین‌الملل». پایان‌نامه دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.
- صادقی، محمد؛ امینی، مهدی (۱۳۹۱). «موجبات و آثار گواهی‌نامه حق اختراع». مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحدیثه). ۲۳ جلد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، شهید ثانی زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲). الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء). ۲ جلد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). نظریه عمومی شروط و التزامات. بی‌جا: مرکز نشر علوم اسلامی.